

بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین درباره عبارات چالش برانگیز آیه سوم سوره نساء و ارزیابی برخی ترجمه‌های فارسی معاصر از آنها

ایوب امرائی^۱
محسن فریادرس^۲
مهدی کامران^۳

چکیده

یکی از آیاتی که از سوی مفسران و به دنبال آنها، مترجمان فارسی معاصر، معرکه آراء مختلف و بعضاً متعارضی واقع شده، آیه سوم سوره نساء است که در زمینه «چگونگی ارتباط دهی بین جمله و جزای شرط، معادل «ما طاب» و معنای «مثنی و ثلاث و رباع» قابل مشاهده است. مقاله حاضر، با هدف ارائه تفسیر صحیح از این موارد و دستیابی به ترجمه‌ای صحیح از آنها و استمداد از روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب و شیوه اسنادی در نقل دیدگاه‌ها و روش تحلیلی - توصیفی در ارزیابی داده‌ها، درصدد برآمده است تا ابتدا این عبارات چالش برانگیز را با استفاده از مصادر لغوی و تفسیری مشهور، بررسی و تحلیل نموده و سپس با ابتناء بر دستاورد موجود، برخی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن (خرمشاهی، صفارزاده، صفوی، حداد عادل، فولادوند، مشکینی، مکارم شیرازی و یزدی) را نیز ارزیابی کند. برآیند پژوهش حاضر در بررسی بخشی از آیه، این شد که هفت نظر مطرح شده درباره ارتباط بین جمله و جواب شرط، به‌ویژه تقدیر «سرپرستی» و تفسیر «من النساء» به بیوه‌زنان، نادرست هستند و تنها تقدیر «نکاح»، مناسب‌ترین نظر محسوب می‌شود. افزون بر اینکه، یزدی در معنایابی موارد فوق، نسبت به دیگر مترجمان، مناسب‌تر عمل کرده است.

واژگان کلیدی: مفسران، آیه سوم سوره نساء، خانواده، زنان، چندهمسری، ترجمه‌های فارسی معاصر.

۱. استادیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول): a.amraei@abru.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران: m.faryadres@chmail.ir

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران ایران: m.kamran92@modares.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۵

مقدمه

آنچه در یک جامعه، بیش از همه حائز اهمیت است، بنیان خانواده است که جوامع مختلف، هریک به مقتضای سرمایه‌های فرهنگی و ملی خود، راهکارهای مختلفی را در راستای ارتقاء سطح کیفی آن مبذول داشته‌اند که نوع عملکرد هر کدام در بوته نقد است. در این میان، مکتب اسلام با داعیه جامعیت، جاودانگی و انطباق با فطرت انسان، به این نهاد بنیادی و لوازم بالندگی آن توجه جدی داشته و طی آیاتی، به شرح و تبیین راهبردهای تعالی و تحول خانواده پرداخته است.

فهم صحیح منظومه قرآن در این زمینه و دیگر عرصه‌ها، منوط به دریافت صحیح معنای آیات آن است که در دسترس‌ترین منبع برای عموم، «ترجمه‌های قرآن» بوده که منبعث از آراء مفسران است. تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، از نقاط قوت فراوانی برخوردارند؛ لکن بدیهی است که دارای نقاط ضعف و لغزش‌هایی نیز هستند. از جمله این موارد را می‌توان ذیل آیه: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْآيَاتِ فَاذْكُرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ (نساء: ۳) مشاهده کرد. تدقیق در آیه، بیانگر دقت نظر قرآن در پرداختن به مسائل مربوط به ازدواج دختران ایتام و بنیان خانواده در میان مردان و زنان است؛ امری که برخی از مفسران و مترجمان در خصوص بیان چگونگی ارتباط دهی بین جمله و جزای شرط، معادل «ما طاب» و معنای «مثنی و ثلث و رباع»، آراء مختلف و بعضاً متعارضی ارائه داده‌اند؛ به نحوی که جمع آنها با یکدیگر سخت و شاید ناممکن باشد.

با توجه به این بیان، مقاله حاضر درصدد است با احصای آراء لغویان و مفسران مشهور فریقین در موارد فوق، ابتدا آنها را پالایش و دسته‌بندی کرده و سپس با پردازش منظم به آنها در متن، به بررسی و تحلیل هریک اهتمام ورزد. در نهایت، بر اساس نتایج به دست آمده، ترجمه‌های «خرمشاهی، صفارزاده، صفوی، حداد عادل، فولادوند، مشکینی، مکارم شیرازی و یزدی» را مورد ارزیابی قرار دهد. گفتنی است که معیار شهرت تفاسیر، جامعیت و سطح قوت تحلیل آنها در نظر اندیشمندان اسلامی و علت گزینش ترجمه‌ها، اعتبار، معاصر بودن، شهرت،

- برتر بودن از جهت قوت معادل‌های ارائه شده و استقبال زیاد مخاطب از آنها است.
- بر اساس آنچه ذکر گردید، مقاله حاضر مترصد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:
۱. راهکارهای قرآن‌پژوهان فریقین برای تفسیر موارد مورد بحث چیست و چه نقدهایی به آنها وارد است؟
 ۲. مترجمان در ترجمه این آیه چگونه عمل کرده‌اند؟ و چه نقدهایی به آنها وارد است؟

۱. پیشینه تحقیق

- پیش از توجه به نوشتارهای مرتبط با این موضوع، ذکر دو نکته ضروری است:
- اولاً با بررسی‌های صورت‌گرفته، پژوهشی مشابه مقاله حاضر از جهت بررسی برخی بخش‌ها و نیز ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از آیه یافت نشده و لذا می‌توان ادعا کرد این پژوهش، کاوشی نو به شمار می‌رود.
- ثانیاً با توجه به نوع برداشت از آیه سوم سوره نساء، مبنی بر جواز «چندهمسری»، پژوهش‌های مختلفی با صبغه غیر دینی صورت گرفته که طبیعتاً ارتباط مستقیمی با مقاله حاضر ندارند و لذا از ذکر آنها چشم‌پوشی می‌شود. لکن در این بین، برخی قرآن‌پژوهان در مقام بررسی چندهمسری از نگاه قرآن برآمده و خالق‌آثاری شده‌اند که به قرار زیر است:
- مقاله «تعهد به عدم ازدواج مجدد در روایات و فقه امامیه»، محمدعلی محب‌الرحمان، حسین صابری و محمد مهدی قبولی، مجله فقه و اصول، ۱۳۹۲ ش، دوره ۴۵، شماره ۹۵، ص ۶۵-۸۶.
 - مقاله «حکمت چندهمسری در حیات رسول خدا ﷺ»، نیکو دیالمه، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۸۹ ش، دوره ۶۱، شماره ۱، ص ۱۲۹-۱۵۴.
- با توجه به اینکه موضوع این دو تحقیق، مربوط به روایات و آراء فقها و توجه به یک بررسی تاریخی است، طبعاً با پژوهش حاضر متفاوت هستند.
- مقاله «چندهمسری در قرآن و نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید»، زین‌العابدین شمس‌الدین،

- ترجمه: علی راد، مجله معرفت، ۱۳۸۲ش، شماره ۶۷، ص ۹-۲۰.
- مقاله «تبیین و بررسی گستره ظهور و دلالت آیه جواز چندهمسری»، محمود صادق زاده طباطبایی، مجله فقه و اصول، ۱۳۹۲ش، دوره ۴۵، شماره ۹۵، ص ۴۵-۶۳.
- مقاله «بررسی تفسیری آیه فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، محمد جواد اسکندری، مجله مطالعات تفسیری، ۱۳۹۳ش، دوره ۵، شماره ۲۰، ص ۲۵-۳۴.
- مقاله «چندهمسری در قرآن و سیره پیامبر ﷺ»، وحیده حمامی، مجله بیّنات، ۱۳۹۵ش، شماره ۵۲، ص ۲۰۳-۲۱۵.
- مقاله «بررسی تفسیری آیه وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى»، محمدحسن رستمی و محمدحسن ایمانی، مجله مطالعات تفسیری، ۱۳۹۷ش، دوره ۹، شماره ۳۳، ص ۷-۲۶.
- مقاله «تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ، بررسی موردی؛ ترجمه‌های فارسی معاصر، علیرضا فخاری و زهرا بشارتی، مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۱۳۹۸ش، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۱۱۰-۱۳۶.
- مقاله «بررسی و نقد نظریات مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء»، محمد سلطانی رنانی، مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۱۳۹۸ش، دوره ۵، شماره ۱۰، ص ۲۲۱-۲۴۶.
- سلسه مباحث «چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم»، سیدکمال حیدری، مؤسسه فکری فرهنگی امام جواد علیّه، ۱۳۹۸ش، موجود در تارنمای <http://alhaydari.com>.
- این مطالعات نیز با تمرکز بر آیه سوم سوره نساء، مترصد بحث حول محور چندهمسری «ارتباط بین فعل و جزای شرط» بوده‌اند؛ حال آنکه، اولاً مقاله حاضر جدای از اینکه دو محور دیگر را مورد بررسی قرار داده، تحلیل‌های جدیدتری را نیز در تأیید نظریه مشهور در چگونگی ارتباط بین جمله و جواب شرط ارائه داده است. ثانیاً این مقاله درصدد بازکاوی تفسیری و نقد آراء قرآن‌پژوهان معاصر در تفسیر آیه بوده تا بتواند از این طریق، ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن را در سه محور مورد بحث، ارزیابی کند؛ امری که در پژوهش‌های یادشده، مورد اهتمام نبوده و تنها یک مورد، به بررسی ترجمه‌ای بخشی

از آیه اهتمام داشته که نتیجه مستفاد از آن، با تحقیق حاضر متفاوت است. بنابراین، ضرورت انجام این تحقیق در عین وفاداری به نتایج سودمند آثار فوق و بهره‌مندی از آنها، به قوت خود باقی است.

۲. تحلیل عبارات کلیدی آیه

در خصوص آیه: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنٍ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» سه محور مهم وجود دارد که در میان قرآن پژوهان، جزء بحث برانگیزترین موضوعات است که پس از تحلیل و بررسی مفاد هریک، به ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از آن پرداخته می‌شود:

۲.۱. چگونگی ارتباط بین جمله و جزای شرط

دیدگاه مشهور در زمینه ارتباط بین دو عبارت «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا» و «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»، «تقدیر بخشی از آیه» است. تبیین این امر چنین است که شارع و قانون‌گذار در موقع به‌کارگیری جملات شرطی، تقدیری را در جملات لحاظ می‌کند که یا برای همه، متبادر به ذهن و روشن است و یا به قرینه داخلی یا خارجی روشن می‌شود. در غیر این دو صورت، از نظر عقلایی، آن تقدیر مورد پذیرش نخواهد بود، خاصه اگر شارع، حکیم علی‌الاطلاق باشد که پیش‌فرض مسلمانان در مورد قرآن چنین است. از طرف دیگر، اگر در جایی از قرآن، به تقدیر محذوف اشاره شده باشد، نیازی نیست که در تمام موارد، ذکر شود و به طریق اولی، مقدر آن، عبارت و یا کلمه‌ای است که در آیه دیگر تصریح شده است. بر همین اساس، اگر نگاهی به تقدیرهای مطرح‌شده در تفاسیر بیفکنیم، روشن می‌شود که گرچه مفسران آنها را از قول برخی از صحابه و تابعان به عنوان شأن نزول نقل کرده‌اند؛ لکن بیشتر آنها نه متبادر به ذهن هستند و نه دارای قرینه محکمی و نه دارای شاهی مذکور در آیات دیگر قرآن و نه حتی موافق سیاق آیه. این موارد، پنج قول زیر هستند:

الف) تقدیر «نهی از چندهمسری به خاطر ترس از تجاوز به حقوق ایتام» در بین دو جمله.

(طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۸؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶؛ ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۸)

ب) تقدیر «نهی از چند همسری به خاطر ترس از رعایت عدالت در بین آنها» در بین دو جمله. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۶ و طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳)

ج) تقدیر «نهی از زنا» در بین دو جمله. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۸؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳-۱۰۴ و ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۸)

د) تقدیر «رشد یافتگی ایتام نابالغ در خانه خود» در جمله شرط و «ایتام موجود در خانه بستگان» در جزای شرط. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۴)

ه) تقدیر «عدم اجتماع با ایتام به خاطر ترس از تصرف در اموال آنها». (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۴)

در کنار این موارد، دو قول زیر بیشتر از همه مورد توجه هستند که عبارتند از:

۲، ۱، ۱. تقدیر «سرپرستی» در جمله شرط و تفسیر «مِنَ النِّسَاءِ» به «بیوه زنان» در جواب شرط

با این توضیح که برخی با تمرکز بر فضای نزول ذکر شده برای آیه مبنی بر تضييع حقوق افراد ضعیف به طور عام و حقوق یتیمان و زنان به طور خاص در جاهلیت و ردّ این امر از سوی خدای متعال در آیه قبلی، بر آنند که گاهی در جامعه اسلامی، مشکلاتی نظیر جنگ رخ می داد که نتیجه آن، از دست رفتن مردان و سرپرستان خانواده های بسیاری بود که در آن از یک سو نسبت جمعیتی مردان به زنان به هم می خورد و از سوی دیگر، تعداد ایتام و بیوه زنان در آن رو به ازدیاد می رفت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۲؛ معرفت، ۱۴۲۳، ص ۱۶۳ و مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰). حال این سؤال مطرح می شود که تکلیف نیازهای مختلف این خانواده ها، اعم از ایتام و بیوه زنان بعد از منع از تضييع حقوق شان چه می شود؟ و اسلام چه راهکاری برای برون رفت از این مشکل ارائه می دهد؟

در اینجا، خدای حکیم برای برون رفت از این مشکل، با طرح آیه سوم سوره نساء، به بیان راهکاری برای جامعه بشری می پردازد و انتظار دارد در قبال این خانواده ها، احساس مسئولیت شود. از این رو در وهله نخست، خطاب به مسلمانان می گوید که نسبت به دیگر

اعضاء جامعه، «احساس مسئولیت» داشته باشید و از سرنوشت آنها غافل نشوید؛ چراکه افزون بر نیازهای فردی این خانواده‌ها، استحکام جامعه نیز در گرو ثبات خانواده است و تزلزل و مشکلات این نهاد اجتماعی، به اعضای آن محدود نمانده و در نهایت، جامعه با دو مسئله اساسی «تربیت و مصرف اموال ایتام» و «نیازهای عاطفی و مدیریتی بیوه‌زنان» روبرو خواهد بود. لذا مسلمانان باید همانند گذشتگان، نسبت به خانواده‌هایی که سرپرست خود را از دست داده‌اند، توجه ویژه داشته و با «برعهده‌گرفتن سرپرستی ایتام» اعم از دختران و پسران، از راه غیر ازدواج، نیازهای مختلف آنها را برآورده نمایند؛ امری که قبل از اسلام از سوی مردم و بعد از آن از سوی رسول الله ﷺ و مردم جاری شده است (عسکری، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۳۷). لکن برخی از مسلمانان، از اجرای عدالت در برآوردن نیازهای مختلف و گسترده ایتام با سرپرستی در واهمه بودند که خدای متعال با آیه: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى»، آنها را از تصرف اموال ایتام منع نمود و برای برون‌رفت از این بحران و برطرف کردن نیازهای مادران آنها، با نزول آیه: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، ازدواج مردان با بیوه‌زنان مختلف را بلامانع کرد تا هم امکان مصرف و هزینه اموال یتیمان در راستای مصالح آنها فراهم شود و هم از گسترش فساد در جامعه جلوگیری به عمل آید (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۱۶۳؛ حیدری، سلسه مباحث درباره «چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم»، ۱۳۹۸/۰۹/۳۰). آنچه این امر را تأیید می‌کند، دو امر زیر است:

الف) «یتامی» به معنای کودکی (اعم از دختر و پسر) نابالغ بدون پدر است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۴۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۴۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۹؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۹۱؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۷۹ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۷۷۳) نه صرفاً دختر یتیم تا بگوییم مراد از آن، ازدواج با آنهاست. بنابراین با تقدیر یک کلمه مبنی بر «سرپرستی»، از ظهور آیه و مفهوم یتامی مبنی بر دختران و پسران یتیم، عدولی صورت نمی‌گیرد. (سلطانی رنانی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۴)

ب) با توجه به اینکه حذف متعلق حکم، دلالت بر عموم دارد و متعلق حکم «أَلَّا تُقْسِطُوا» در خصوص ایتام این آیه نیز حذف شده، می‌توان گفت که آیه دلالت بر عموم داشته و اشاره

به برطرف سازی تمام مسائل آنها دارد؛ نه صرفاً مسائل اقتصادی آنها که در آیه قبل و بعد صریحاً به آن اشاره شده است. اساساً حذف این متعلق، به دلیل اشاره به همین عمومیت بوده است. از این جهت، در وهله نخست، سرپرستی تمام این نیازها از مسلمانان مطالبه شده و هنگامی که تکلف این مسئله برای آنها از طریق سرپرستی مشاهده شد، خدای متعال راهی دیگر مبنی بر ازدواج با مادران آنها را در پیش روی مسلمانان قرار داد (حیدری، سلسه مباحث درباره «چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم»، ۱۳۹۸/۰۹/۲۳). بنابراین، تقدیر «سرپرستی» در جمله شرط کاملاً موافق و هماهنگ با سیاق آیات ابتدایی سوره نساء و آیه مورد بحث است.

از طرف دیگر، ظاهراً الف و لام موجود در النساء، عهد جنس است و طبعاً شامل همه زنان (و نه فقط بیوه زنان) می شود که به قرینه «ما طاب»، محدود به زنان حلال و پاک است و طبعاً زنان کافر و محارم از دایره زنان، خارج می گردد و تنها دوشیزه ها و بیوه زنان مسلمان باقی می ماند. در کنار این امر، باید توجه داشت که کلمه «مِنْ» در عبارت «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، تبعیضیه است و طبعاً شامل بخشی از این دو دسته از زنان می شود (سمین، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۰۰) که منطقی ترین این تبعیض، بیوه زن ها است؛ چراکه صدر آیه مربوط به ایتمام است و به نوعی آیه درصدد برطرف سازی نیازهای مختلف آنهاست. بنابراین ظاهراً مراد از «مِنَ النِّسَاءِ»، بیوه زنان است و مناسب ترین معنا برای ارتباط دهی جواب و جزای شرط، همین تفسیر است. با این همه، نقدهایی اساسی به این نظر وارد است که به قرار زیر است:

الف) بین ترس از عدم اجرای قسط در مورد یتیمان و ازدواج با چند بیوه زن، رابطه ای وجود ندارد؛ چراکه اگر بالفرض مراد آیه این بود که با ازدواج با آنها، زمینه را برای سرپرستی کودکان یتیم تسهیل کند، دیگر نیازی نبود که ازدواج با چند زن را مطرح کند. کافی بود بگویند با مادران آنها ازدواج کنید، نه اینکه با عبارات اضافی، مسئله را بیان کند. مضاف بر اینکه، در ادامه آیه، کلاً از مسئله قسط در مورد یتیمان به عدالت درباره زنان پرداخته شده و هیچ سخنی از سرپرستی و رسیدگی به ایتمام به میان نرفته است.

ب) اگر هدف آیه، امر ارشادی در مورد ازدواج با بیوه زنان برای رسیدگی به یتیمان بود، پرواضح است که این امر منوط به ترس از اجرای قسط درباره یتیمان نیست و برعکس،

ازدواج با مادران یتیم زمانی مورد پسند شارع است که خوف ظلم و آزار به یتیمان در آن نرود. ج) نه تنها ازدواج با بیوه زنان، خوف از ارتکاب ظلم در مورد ایتم را مانع نمی شود؛ بلکه با نزدیک شدن فرد به خانواده یتیم از طریق ازدواج با مادر آنها، زمینه تصرفات عدوانی احتمالی را فراهم می سازد.

د) از نظر اجتماعی، چه بسیار فرزندان یتیم که با ورود ناپدری به خانواده آنها، دچار مشکلات روحی و روانی می شوند و این خلاف اراده الهی در همزیستی با یتیمان است که طلب اصلاح و عدم مفسده را شرط بنیادی ایجاد رابطه با یتیمان دانسته است. ه) اگر مقصود، ازدواج با بیوه زنان بود، نیازی به شرط ابتدایی آیه و بیان عدد و ویژگی در ادامه آیه نبود.

و) وضع موجود در زمان نزول با توجه به دیگر آیات قرآنی بیانگر این است که ایتم از جهات مختلف مورد سوء استفاده واقع می شدند و در چنین شرایطی، آیات قرآنی با صبغه سلبی و تحذیری نسبت به چگونگی روابط با ایتم نازل می شد؛ نه اینکه با اجازه و تشویق به ازدواج با بیوه زنان، زمینه را برای تصرفات عدوانی موجود و محتمل بیشتر فراهم سازد. به عبارت دیگر، ازدواج با بیوه زنان و یا با خود دختران یتیم در جامعه وقت رواج یافته بود و این گرچه فی نفسه مشکلی نداشت؛ لکن از آن جهت که این دست از ازدواج ها غالباً بدون پرداخت صداق یا با مهریه ناچیز و بدون رضایت یتیم و به اجبار صورت می گرفت، عملاً زمینه را برای دستبرد در اموال یتیم از سوی ولی یا همسر فراهم می ساخت. از این رو قرآن کریم شرط ازدواج با یتیمان را تشدید می کند؛ به طوری که حتی خوف از عدم اجرای قسط در مورد ایتم را مانع ازدواج با آنان می داند. در حالی که در مورد ازدواج با دیگر زنان، چنین شرطی لحاظ نمی شود و این بیانگر نهایت اهتمام الهی به امر ایتم است که به عنوان ولی ویژه آنان، تمامی شرایط حمایتی و حفاظتی را برای سعادت این قشر از جامعه که زود از نعمت والدین محروم شده اند، فراهم می سازد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۵-۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۳ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۴۴-۲۶۰)

۲،۱،۲. تقدیر «فلا تنکوهن» در جمله شرط

اکثر قریب به اتفاق مفسران با استناد به بیانی از عایشه (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۵؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۵ و قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۷۸) یا ترسیم فضای اجتماعی زمان نزول آیه مبنی بر بقای آثار جاهلیت در جامعه اسلامی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۴۴-۲۶۰)، از جمله تزییع حقوق افراد ضعیف به طور عام و حقوق یتیمان و زنان به طور خاص، و ردّ این امر از سوی خدای متعال در آیه قبلی، معتقدند این آیه علاوه بر اهتمام و سفارش به مراعات عدالت درباره اموال یتیمان، در مقام دقت در ازدواج دادن دختران یتیم است؛ لذا جزای شرط حقیقی «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» عبارتِ مقدرِ «فلا تنکوهن» است. برخی نیز آن را به صورت «فاحرجوا من جمعهم [الیتیمه] بین النساء» ذکر کرده اند (فراء، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۵۳). مطابق این دیدگاه، خدای متعال با هشدار شدید، سرپرستانِ دختران یتیم را به دلیل شیوه ظالمانه شان در «رعایت انصافِ روحی، عاطفی، مالی و...» از ازدواج با آنها نهی کرده و در عوض، به ازدواج با زنان دیگر جواز داده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۵-۱۶؛ مغنیه، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۷۸؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۶-۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۳ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۴۴-۲۶۰)؛ لِهَذَا معنای آیه چنین خواهد بود: اگر با ازدواج، از اجرای عدالت در بین دختران یتیم بپیمانید، پس با آنها ازدواج نکنید؛ بلکه با زنان دیگر نکاح نمایید.

با وجود این، برخی معتقدند که این چندهمسری، عوض از آن نیست؛ بلکه این بیان، اشاره به محور دیگری از آیه دارد؛ یعنی عبارت: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» به دو محور مجزای «رعایت ازدواج با دختران یتیم» و «چندهمسری» اشاره دارد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۴۴-۲۶۰). بنابراین معنای آیه چنین است: اگر با ازدواج، از اجرای عدالت در بین دختران یتیم بپیمانید، پس با آنها ازدواج نکنید و نیز، هرکس می تواند عدالت را در ازدواج با چند زن رعایت کند، مجاز

است چند همسر را اختیار نماید و اگر از این فعل هم بیم دارد، به یک همسر اکتفا کند.

۲،۱،۳. نظریه مختار

اگر در این آیه، کلمه نکاح را مقدر بگیریم، کاملاً واضح است که حذف آن از جمله، خللی در منطوق آیه ایجاد نمی‌کند؛ چراکه در جواب شرط، فعل امر «فَانْكِحُوا» بر آن دلالت می‌کند؛ کما اینکه اگر در جواب شرط، فعل امر حذف می‌شد و در جمله شرط، کلمه نکاح مطرح می‌شد، مخاطب سریعاً متوجه می‌شد که مراد، امر به نکاح بوده است. به عبارت دیگر، آیه چنین بوده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي (نِكَاحِ) الْيَتَامَى فَاَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» که در این حالت، حذف کلمه «نکاح» در جمله شرط و یا فعل «فَانْكِحُوا» در جواب شرط، خللی در معنای آیه ایجاد نمی‌کند؛ زیرا ذکر یکی از این دو کلمه، اعم از اینکه در جمله شرط باشد و یا جواب شرط، به تذکر مخاطب مبنی بر حذف شدن آنها کفایت می‌کند. به بیان منطقی، از دو بخش محمول و موضوع در قضیه شرطی، محمول در جمله شرط، محذوف شده است که محمول موجود در جواب شرط بر آن دلالت می‌کند. بنابراین معنا چنین می‌شود: اگر به خاطر ترس از اجرانکردن قسط، با یتیمان ازدواج نمی‌کنید؛ پس می‌توانید با دیگر زنان که مناسب‌تان است، ازدواج کنید.

درباره کلمه «الْيَتَامَى» نیز باید توجه شود که این واژه موضوع «نکاح» است و از این جهت روشن است که تنها «یتامی النساء» مد نظر شارع است که در این حالت، مضاف‌الیه «یتامی» حذف شده و کلمه یتامی با «الف لام» تعریف باقی مانده تا عوض از مضاف‌الیه محذوف باشد (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۳). بنابراین آیه با تقدیر مذکور چنین می‌شود: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي (نِكَاحِ) الْيَتَامَى فَاَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» که آیه ۱۲۷ همین سوره شاهد بر این تغییر بیان است که در آنجا به طور صریح «یتامی النساء» ذکر شده است: «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُثَلِّ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ».

اما وجه ارتباط این مقدر با آیه پیشین هم روشن است. اساساً در آیه قبل، بحث در مورد ایتاء اموال یتیمان و رعایت انصاف «وَلَا تَتَّبَدُّوا لِحَبِيبِ الْظَّالِمِ» (نساء: ۲) است که

دراین میان، از جمله حالاتی که زمینه را برای تصرف و تداخل در اموال دختر یتیم فراهم می‌کند، ازدواج کردن با آنهاست که دو حالت اصلاح و افساد در آن متصور است. اصلاح همان قیام به قسط به وسیله تنفیذ دستورات موکد الهی در مورد یتیمان است و افساد نیز سرپیچی از این دستورات ویژه در مورد یتیمان است که در آیات مختلفی از قرآن بدان پرداخته شده است. از جمله آنها می‌توان به پرهیز از اکل مال یتیم، عدم جایگزینی مال خبیث به جای مال طیب آنان، پرداخت صداق و اعطای مال و میراث یتیم به هنگام رشد، طلب اصلاح و عدم افساد در صورت همزیستی و تصرف احسن در مال اشاره کرد.

حال در این آیه، خدای تعالی به عنوان ولی خاص یتیمان، این مورد را به مؤمنان گوشزد می‌کند که حساب این صنف از بندگان را خوب در ذهن خود نگه دارند؛ به اینکه اگر قصد ازدواج با آنها را دارند، باید احکام مربوط به آنها را در معاشرت خود دقیق رعایت کنند و طوری نباشد که بگویند این دختر بی‌کس است و بدون مهر و صداق می‌توان با او ازدواج کرد و بعد هم به زور، اموال او را تصرف و یا در صورت ناخوشایندی نسبت به ظاهر او، وی را رها نمود. بنابراین معنای آیه این است که اگر می‌ترسید که با ازدواج دختران یتیم نتوانید قسط را در مورد آنها اجرا کنید (یعنی قسط و سهم و نصیب آنها را از صداق و مال و ارثشان آن‌گونه که مقرر شده، بدهید) با هرچند نفر از دیگر زنان که مناسبتان است، وصلت کنید.

بنابر آنچه ذکر شد، جایگاه این جمله، در همین مکان است؛ لکن برای فهم ارتباط دهی آن دو، باید عباراتی را در تقدیر گرفت که ظاهراً مناسب‌ترین عبارات، «ازدواج» در جمله شرط و ترجمه «مِنَ النِّسَاءِ»، به «زنان دیگر» است.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر

عملکرد ترجمه‌های فارسی معاصر در بیان معنای این بخش از آیه، به قرار زیر است:

خرمشاهی: و اگر بیمناکید که در حق دختران یتیم به عدل و انصاف رفتار نکنید،

در این صورت از زنانی که می‌پسندید ... به همسری درآورید.

صفارزاده: و اگر [در مقام قیّم] بیم آن دارید که نتوانید در امر ازدواج با دختران

یتیمی که سرپرستی آنها را بر عهده دارید، با عدل و انصاف رفتار کنید هرچند تا از زنان دیگر که می‌پسندید، ... به زنی بگیرید.

صفوی: و اگر بیم دارید که در صورت ازدواج با دختران یتیم، عدل و انصاف را رعایت نکنید، از دیگر زنان که مورد پسند شمایند، ... به همسری بگیرید، **حداد عادل:** اگر می‌ترسید که در حق دختران یتیم (در صورت ازدواج با آنها) به عدالت رفتار نکنید، در آن صورت، زنانی دیگر را که می‌پسندید، ... به ازدواج خود در آورید. **فولادوند:** و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بی‌مناکید، هرچه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، ... به زنی بگیرید.

مشکینی: و اگر بیم آن داشتید که نتوانید درباره دختران یتیم (در صورتی که با آنها طبق رسم آن روز ازدواج کنید) عدالت ورزید، پس با آنچه میلتان باشد از زنان (دیگر) ... ازدواج نمایید.

مکارم: و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید. **یزدی:** و اگر می‌ترسید که درباره دختران یتیم (در صورت ازدواج با آنها) به عدل و انصاف رفتار نکنید (و حقوقشان را پایمال کنید) با دیگر زنان که مورد پسند شما باشند ... ازدواج کنید.

ماحصل مذاقه در ترجمه‌های فوق، کشف حوزه‌های قوت و ضعف عملکرد مترجمان در دو محور است:

همان‌طور که روشن است، خرمشاهی و فولادوند با تقدیرنگرفتن کلمه‌ای، عملاً در ارتباط‌دهی جمله و جزای شرط، ناموفق عمل کرده‌اند. دراین میان، صفوی، عادل، مشکینی و مکارم با تقدیرگرفتن «ازدواج»، ارتباط میان دو جمله را مناسب نشان داده‌اند؛ لکن محدوده عدالت را که «رعایت حقوق دختران یتیم» است، مشخص نکرده‌اند؛ امری که صفارزاده و یزدی بدان اهتمام داشته‌اند.

در خصوص مفهوم «مِنَ النِّسَاءِ»، قابل توجه است که همه مترجمان، «نساء» را به «زنان»

ترجمه کرده و مشخص نکرده‌اند که این زنان چه کسانی بوده و یا دارای چه ویژگی‌هایی هستند. لذا ذهن را به هر زنی که اسلام اجازه ازدواج با آنها را صادر کرده (اعم از اینکه این زنان، باکره باشد یا بیوه بی‌فرزند و یا بیوه دارای فرزند) سوق می‌دهد که کاملاً درست است. در نتیجه، ترجمه پیشنهادی از این فقره از آیه عبارت است از:

و اگر در (ازدواج با دختران) یتیم، از اجرانکردن عدالت در میان آنها (: مراعات حقوق آنها) بیمناکید، پس با زنانی (دیگر) که برایتان پاک و حلال‌اند، ازدواج کنید.

بنابر آنچه ذکر شد، مناسب‌ترین سبک برای ترجمه این فقره از آیه، روش تفسیری است که اتفاقاً غالب مترجمان نیز بدان اهتمام ورزیده‌اند؛ لکن از همه مناسب‌تر، ترجمه یزدی دقیق‌تر ارزیابی می‌شود.

۲.۲. معادل «ما طاب»

این ترکیب دارای دو بخش «ما» و «طاب» است که هر دو مورد آن مورد اختلاف مفسران است. در خصوص «طاب» باید توجه داشت «طیب» که به «امور مطلوب نفس و پیراستگی از آلودگی‌های ظاهری و باطنی» اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۳۵، ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳ و راغب اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۵۲۷) در فرهنگ عرب با معنای «لذیذ و پاک» به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۶۱؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۲، ابن اثیر جزری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۴۸ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۸۸). از این جهت، طیب هر چیز، امری است که برای چیزی دیگر، سازگار و در برآمدن حاجت آن، مؤثر باشد. آنچه این معنا را تأیید می‌کند، توجه به موارد استعمال این واژه در قرآن کریم است که از آنها معنای «پاک و پیراسته از هرگونه عیبی» استفاده می‌شود. از جمله این آیات می‌توان به: «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور: ۲۱)، «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر: ۷۳)، «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸) و «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف: ۵۸) اشاره کرد.

بنابراین، اصل واژه «طاب» به معنای «پاک و پسندیده» است؛ لکن برخی از مفسران برآنند که معنای «ما»، «حلّ: حلال» است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵؛

طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۵ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۶) که در تقویت آن می‌توان اعلان داشت با توجه به سیاق آیات، خصوصاً آیه ۲۳ سوره نساء، که در مورد زنانی است که ازدواج با آنها حرام دانسته شده، این نکته به دست می‌آید که شاید «ما» در آیه مورد نظر، به معنای «حلال» باشد. همچنین باید توجه داشت که خود حلال نیز می‌تواند مصداقی از «پاکی» باشد و طبعاً اظهار هر کدام صحیح خواهد بود.

در عین حال، برخی بر این نظر اشکال کرده‌اند که گزینش این معنا باعث شکل‌گیری تکرار در آیه می‌شود. یعنی چنین می‌شود: «برای شما زنانی را که نکاح با آنان برای شما مباح است، مباح قرار دادیم» و لذا بایستی «مورد پسند واقع شدن» را اخذ نمود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶). حال آنکه، این بیان تقریباً نادرست است؛ چراکه اولاً هر طیبی لزوماً مباح نیست تا آن را به مباح معنا کنیم و اساساً باید توجه داشت که حتی برخی از طیب‌ها مانند اموال مؤمنان، برای دیگران مباح نیستند و ثانیاً گرچه یکی از معانی فعل امر، اباحه است؛ لکن ظهور آیه، دلالت بر امر دارد و تا زمانی که دریافت امر، خللی به ظاهر آیه وارد نکند، ضرورتی بر عدول از آن نیست.

اما در خصوص «ما»، سه نظر عمده درباره نوع آن وجود دارد که به شرح زیر است:

الف) موصوله بودن: برخی معتقدند این کلمه، موصوله و به معنای «هر آنچه» است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۰۰). در این صورت، معنای آیه چنین می‌شود: «با هر آنچه از زنان دیگر که برایتان پاک و حلالند، ازدواج کنید».

ب) مصدریه بودن: برخی نیز بر این باورند که «ما» در این ترکیب، فعل بعد از خود را تأویل به مصدر برده و آن مصدر به معنای اسم فاعل است؛ به عبارت دیگر، «ما طاب» یعنی «طیب» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶؛ سمین، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۰۰ و عکبری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۷). در این صورت، معنای آیه چنین خواهد بود: «با زنان پاک و حلال دیگر ازدواج کنید».

ج) موصوفه بودن: برخی نیز بر آنند این کلمه وصفیه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۰۰ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۶) که در این صورت،

معنای آیه چنین خواهد بود: «با زنان دیگری که برایتان پاک و حلالند، ازدواج کنید». همان‌طور که مشخص است، معنای مستفاد از هریک از این سه برداشت، خیلی به هم نزدیک است و در ترجمه، تفاوت فاحشی با یکدیگر ندارند و لذا عملاً نمی‌توان ترجمه ارائه شده توسط مترجمانی که در فهم «ما» دچار خطا شده‌اند، غلط دانست؛ لکن با توجه به اینکه با متن قرآن روبرو هستیم، ضروری است که نوع «ما»، مشخص و «ترجمه دقیق» معرفی شود. در این راستا، اگر «ما» موصوله باشد، طبیعتاً باید «مِنْ» نیز بیانیه باشد تا رفع ابهام از «ما» نماید؛ درحالی‌که به قرینه «فَأَنْكِحُوا» که خطاب به مردان است، پرواضح است که منظور از «ما»، زنان است و ظاهراً دیگر نیازی به ذکر «مِنْ النِّسَاءِ» نیست. با این توضیح، روشن می‌شود که از بین دو معنای «موصوفی» و «مصدری»، یکی صحیح است که ظاهراً موصوفی بودن مناسب‌تر است؛ چرا که در مصدری بودن، بایستی آن را تأویل به مصدر بُرد تا وصف از «ما طاب» مستنبط شود؛ درحالی‌که در موصوفی بودن، دلالت بر وصف آشکار است. افزون بر اینکه، در آیه از «مَنْ طاب» به «ما طاب» عدول کرد تا اشاره به وصف «مِنْ النِّسَاءِ» مبنی بر حلالی و پاکی آنها بکند. (بلاغی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۶ و طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۷)

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر

مترجمان فارسی معاصر در ترجمه این فقره از آیه، به صورت زیر عمل کرده‌اند:

خرمشاهی: در این صورت از زنانی که می‌پسندید، ... به همسری درآورید.

صفارزاده: هر چند تا از زنان دیگر که می‌پسندید، ... به زنی بگیرید.

صفوی: از دیگر زنان که مورد پسند شمایند، ... به همسری گیرید.

حداد عادل: در آن صورت زنان دیگری را که می‌پسندید، ... به ازدواج خود درآورید.

فولادوند: هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، ... به زنی بگیرید.

مشکینی: پس با آنچه میل‌تان باشد از زنان (دیگر) ... ازدواج نمایید.

مکارم: با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید.

یزدی: با دیگر زنان که مورد پسند شما باشند ... ازدواج کنید.

ارزیابی این ترجمه‌ها در دو سطح معنای «ما» و معادل «طاب» باید صورت پذیرد: از بین ترجمه‌های یادشده، «صفارزاده، فولادوند و مشکینی»، «ما» را موصوله، «خرمشاهی، صفوی، حداد عادل و یزدی» آن را موصوفه و «مکارم» آن را مصدریه معنایابی کرده‌اند. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، معنای موصولی برای این امر با توجه به ادامه آیه، دقیق به نظر نمی‌رسد و از بین دو معنای «موصوفی» و «مصدری»، ظاهراً معنای «موصوفی» مناسب‌تر است و لذا ترجمه «خرمشاهی، صفوی، حداد عادل و یزدی» نسبت به دیگر مترجمان، مناسب‌تر ارزیابی می‌شود.

در خصوص معنای واژه «طاب» هم باید توجه داشت که از سوی مترجمان، معادل‌های «پسندیدن، خوش آمدن، مطابق میل بودن» و «پاکی» برای این واژه ذکر شده که بنابر تحلیل صورت‌گرفته، تنها مکارم با ذکر معنای «پاک»، مناسب عمل کرده است. در هر صورت، ترجمه پیشنهادی برای ترکیب «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، عبارت است از: پس با زنان دیگری که برایتان پاک و حلالند، ازدواج کنید.

۲,۳. معنای «مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ»

یکی از بحث‌برانگیزترین بخش‌های این آیه، ترکیب «مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ» است که با برداشت‌های بسیار متنوعی روبرو شده است:

عده‌ای از مفسران معتقدند که گرچه جمع بین اعداد «مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ» «نه» می‌شود؛ لکن باید توجه داشت که «واو» در این ترکیب، یا دلالت بر «تخییر» دارد یا «تنويع». در حالت اول، مردان می‌توانند از زنان، «مثنی یا ثلاث و یا رباع» اختیار کنند؛ یعنی اگر کسی، سه زن را انتخاب کرد، دیگر نمی‌تواند چهارمین زن را اختیار نماید (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۸؛ قرطبی، ۱۴۲۷، ج ۶، ص ۳۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۸؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۴ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۷۰-۱۶۹) و در

حالت دوم، اگر مردی، مثنی از زنان را اختیار کرد، بعداً هم می‌تواند تا رباع از آنان را اختیار نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۶۱). در هر صورت، معنای ترکیب چنین خواهد بود: «مثنی أو ثلاث أو رباع: دو یا سه یا چهار» و مردان مجاز نیستند بیش از چهار زن را اختیار کنند. این دسته از قرآن پژوهان، ادله زیر را برای بیان خود ارائه داده‌اند:

الف) خطاب آیه به همه مؤمنان (و نه یک نفر) است؛ یعنی با توجه به اینکه خطاب آیه به یک نفر نیست، خدای متعال این موارد را با «واو» از هم جدا کرده تا تخییر را برساند که این امر حاکی از آن است که هریک از مؤمنان مخیرند با دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر از زنان ازدواج کنند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۸ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۶۹) ب) اگر منظور از آن، «نه زن» می‌بود، طبعاً با توجه به فصاحت و بلاغت فوق‌العاده قرآن، بایستی می‌فرمود: «فانکحوا تسعا»؛ نه اینکه بفرماید: «فَانْكِحُوا ... مَثْنًی وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱-۱۲؛ قرطبی، ۱۴۲۷، ج ۶، ص ۳۴؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۴ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶، صص ۱۷۰-۱۶۹) و یا اینکه، پس از «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا»، می‌فرمود: «پس به هشت تا اکتفا نمایید»؛ نه اینکه بگوید «فَوَاحِدَةً». اما حال که چنین نشده، می‌توان گفت مراد خداوند، جواز اختیار چهار زن است و اگر این نشد، سه زن و اگر این هم نشد، دو زن و اگر، باز هم این نشد، «فَوَاحِدَةً». (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۸ و طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۷)

ج) علماء و فقها اجماع دارند که حداکثر می‌توان با چهار زن ازدواج کرد؛ به نحوی که این امر از ضروریات قلمداد شده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۸؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۰۶؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۴ و قرطبی، ۱۴۲۷، ج ۶، ص ۳۳)

با این همه، این معنا برای آیه صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً «مثنی»، «ثلاث» و «رباع»، بر اوزان «مفعّل و فعال» هستند که تکرار و کثرت را می‌رسانند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱-۱۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بلاغی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۷؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۶۹ و جوادی آملی، ج ۱۷، ص ۲۶۰)؛

لذا معنای آیه چنین می‌شود: «دوتا دوتا و سه‌تا سه‌تا و چهارتا چهارتا» و در این صورت و با پیش‌فرض تخییری یا تنویدی بودن «واو»، معنای آیه چنین می‌شود: شما می‌توانید با «چهارتا یا شش‌تا یا هشت‌تا» از زنان ازدواج نمایید. در این صورت، بدیهی است که حداکثر زنی که می‌توان اختیار نمود، هشت‌تا است؛ نه چهارتا و نه حتی «نه‌تا» که مفسران در تأیید نظر خود، آن را رد کرده‌اند! بنابراین صحیح این خواهد بود که بگوییم آیه، جواز ازدواج با هشت زن را صادر کرده است و نه چهارتا.

ثانیاً معنای «واو» مابین این کلمات، همان «واو» جمع است؛ نه «أو» تنویدی و تخییری (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۸). در واقع، این تخییر و تنويع، با تصرفی که در معنای «واو» صورت گرفته، به دست آمده است وگرنه «أو» از معنای «واو» محسوب نمی‌شود (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۲۷۶-۲۸۲ و سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۴۱). در اینکه آیا می‌توان چنین تصرفی را در آیه صورت داد یا خیر، باید گفت که اگر این آیه از متشابهات باشد، شاید بتوان چنین کاری را انجام داد؛ لکن زمانی که می‌توان به راحتی و در نهایت اتقان، آیه را طوری تفسیر نمود که کاملاً هم معقولانه باشد، دلیلی بر تصرف در معنای «واو» وجود ندارد. بنابراین با توجه به اینکه می‌توان آیه را بدون تکلف، حمل بر ظاهر کرد، نباید حقیقت را رها و معنای «أو» را برگزید. طبعاً در این صورت، جمع «مثنی»، «ثلاث» و «رباع» ۱۸ خواهد شد: $\{۸ + ۶ + ۴\}$ ؛ نه چهارتا یا هشت‌تا و یا حتی نه‌تا. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۸۸ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۴)

با این همه، این نکته را هم بایستی توجه نمود که خدای متعال در این عبارت درصدد بیان عدد خاصی، مثل هجده و امثال آن نیست؛ بلکه این کلمات و عبارت، دلالت بر کثرت دارد؛ یعنی زمانی که ما با اعداد زیادی روبرو هستیم، از این عبارت بهره می‌بریم (شوکانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۱). آنچه این معنا را تأیید می‌کند، اولاً بیان قرآن پژوهان در سطور پیشین است که اعلان کردند این ترکیب، دلالت بر تکرار و تکثیر دارد و ثانیاً دلالت همین ترکیب در آیه: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنَحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» (فاطر: ۱) بر کثرت است و این امری است که قرآن پژوهان بر آن صحه گذاشته‌اند (حیدری، سلسه مباحث درباره «چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم»، ۱۳۹۸/۰۹/۳۰). در عین حال، این کثرت در فقه اسلامی با توجه مستندات مختلف، به «چهار زن»

تفسیر شده که تحلیل و تأیید آن مجالی دیگری را می‌طلبد. از این جهت و با توجه به اینکه مفسر و مترجم، بایستی معنای مستفاد از آیه را بیان کند، در مقاله حاضر نیز معنای مستفاد ذکر می‌شود و بحث در خصوص «ازدواج با چهار همسر در فقه اسلامی» در اینجا مطرح نمی‌گردد. در نهایت، معنای «واو» موجود در ترکیب فوق، «واو» جمع است و معنای کلمات «مثنی»، «ثلاث» و «رباع» نیز به خاطر معدوله بودن هریک، به ترتیب «دوتا دوتا»، «سه تا سه تا» و «چهارتا چهارتا» است. در این صورت، معنای آیه چنین خواهد بود: «دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا».

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر

مترجمان معاصر در بیان معنای این ترکیب، به صورت زیر عمل کرده‌اند:

خرمشاهی: در این صورت از زنانی که می‌پسندید [یک یا] دو و [یا] سه و [یا] چهار تن را به همسری درآورید.

صقارزاده: هرچند تا از زنان دیگر که می‌پسندید، دو یا سه یا چهار، به زنی بگیرید.

صفوی: از دیگر زنان که مورد پسند شمایند، دو تا یا سه تا یا چهار تا به همسری گیرید.

حداد عادل: در آن صورت، زنان دیگری را که می‌پسندید، دوتا یا سه تا یا چهارتا، به ازدواج خود درآورید.

فولادوند: هرچه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.

مشکینی: پس با آنچه میل‌تان باشد از زنان (دیگر) دو تایی یا سه تایی یا چهارتایی ازدواج نمایید.

مکارم: با زنان پاك (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر.

یزدی: با دیگر زنان که مورد پسند شما باشند دوتا دوتا، و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا زدواج کنید

در ارزیابی این ترجمه‌ها ذکر نکات زیر ضروری است:

- **ترجمه‌ای نادرست از کل عبارت:** این امر را می‌توان در ترجمه مترجمانی نظیر «صفوی، حداد عادل، مشکینی و مکارم» مشاهده نمود؛ آنجا که هم معنای واو را به اشتباه «او» و هم

معنای «مَثْنَى»، «ثَلَاثَ» و «رُبَاعَ» را به دو، سه و چهار ترجمه کرده‌اند.

- **تردید در معنای «واو»:** برخی نظیر خرمشاهی با بیان معنایی نادرست برای این ترکیب، در بیان معنای «واو» تردید نموده و هر دو معنای «واو» و «أُو» را برای آن ذکر کرده‌اند. فولادوند نیز با درج عبارت «،»، اساساً مشخص نیست چه معنایی برای «واو» در نظر داشته است.

- **بیان معنای صحیح از کل ترکیب:** همان‌طور که روشن است، تنها «یزدی» ترجمه عبارت را به درستی در ترجمه خود بازتاب داده است.

در هر صورت، معنای پیشنهادی برای «مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ» چنین است:

«با زنان دیگری که برایتان پاک و حلال‌اند، دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا ازدواج نمایید.»

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه ذکر شد، نتایج زیر در خصوص معنای صحیح آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳) با تمرکز بر ترجمه‌های «خرمشاهی، صفارزاده، صفوی، عادل، فولادوند، مشکینی، مکارم و یزدی» حاصل شد:

- این آیه درصدد کناره‌گذاشتن یک باور نادرست درباره ایتام، خصوصاً دختران است که مردان، بدون رعایت حقوق‌شان، برای ازدواج با آنها اقدام می‌کردند. خدای متعال به عنوان ولی حقیقی ایتام، مسلمانان را از ارتکاب این فعل برحذر داشته و آنها را مکلف کرده که در صورت تمایل به ازدواج با آنها، باید حقوق آنها را مراعات نمایند. در عین حال، اگر توان این امر را ندارند، نباید با این افراد ازدواج نمایند؛ بلکه بایستی با زنان دیگری که قادرند در میان آنها دادگری کنند، ازدواج کنند.

- مترجمان در ترجمه برخی عبارات چالشی آیه، نامناسب عمل کرده و به تعبیر دیگر، هریک تنها در بخشی از آیه مناسب عمل کرده‌اند؛ لذا به طور قطع نمی‌توان ترجمه‌ای را در

حالت کلی مناسب ارزیابی کرد.

- ترجمه پیشنهادی برای واژگان و عبارات دشواریاب این آیه، عبارت است از:
و اگر در (ازدواج) با دختران یتیم، از اجرا نکردن عدالت (:مراعات حقوق آنها) بیمناکید،
پس با زنان دیگری که برایتان پاک و حلال اند، دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا ازدواج
کنید. پس اگر بیم آن دارید که (در ازدواج با چند زن) دادگری نکنید، به يك (زن آزاد) یا
به آنچه (از کنیزان) مالك شده اید، (اکتفاء کنید). این (کار)، به منحرف نشدن (از عدالت)
نزدیک تر است.

- در مجموع، مناسب ترین روش برای ترجمه این آیه، روش آزاد است؛ امری که گرچه مترجمان
در انتخاب آن صحیح عمل کرده اند، لکن در بازتاب برخی مفاهیم آن نامناسب اقدام کرده اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، محقق: عبد الباری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: محمد عبدالسلام هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار صادر.
۵. ابن هشام، عبدالله بن یوسف (۱۳۸۳ش)، *مغنی اللیب عن کتب الأعاریب*، قم: قدس رضوی.
۶. بلاغی، محمد جواد (بی تا)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق: بنیاد بعثت و واحد تحقیقات اسلامی، قم: وجدانی.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، اعداد: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. سلطانی رنانی، محمد (۱۳۹۸ش)، «بررسی و نقد نظریات مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء»، *مجله پژوهش های تفسیر تطبیقی*، دوره ۵، ش ۱۰، ص ۲۲۱-۲۴۶.
۹. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *تسنیم*، تحقیق: حسین اشرفی و عباس رحیمیان، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۱۱. حیدری، کمال (۱۳۹۸ش)، *سلسه مباحث درباره «چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم»* بازیابی در تاریخ های ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ و ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ موجود در تارنمای <http://alhaydari.com>.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۵ش)، *ترجمه قرآن*، تهران: نشر جامی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
۱۴. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۵. سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۷. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *وبل الغمام علی شفاء الأوام*، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ اسلامی.
۱۹. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
۲۰. صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، *ترجمه قرآن*، قم: آبنوس.
۲۱. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش)، *بیتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۰ش)، *ترجمه قرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۸. عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ق)، *التبیین فی إعراب القرآن*، ریاض: بیت الأفكار الدولية.
۲۹. فخر رازی، ابوعبدالله (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، تحقیق: محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۳۲. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ق)، *ترجمه قرآن*، تحقیق: هیئت علمی دار القرآن الکریم، تهران: دار القرآن الکریم.
۳۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۴. قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع الأحکام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۵. قطب، سید (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت- قاهره: دار الشروق.
۳۶. عسکری، ابوهلال (۱۳۵۲ق)، *دیوان المعانی*، قاهره: مطبعة القدسی.
۳۷. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ش)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین علیه السلام.
۳۸. مشکینی، علی (۱۳۸۱ش)، *ترجمه قرآن*، قم: الهادی.
۳۹. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *النکت و العیون*، محقق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، لبنان: دار الکتب العلمیة.
۴۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق)، *شبهات و ردود حول القرآن*، قم: موسسه التمهید.
۴۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۱۲ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دار الکتب الإسلامی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، *ترجمه قرآن*، قم: دار القرآن الکریم.
۴۳. _____، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.